

پژوهشی در آئین‌های دینی شاهان ساسانی

مهرانگیز کیانی^۱

چکیده

آئین‌های دینی برخاسته از اندیشه مردم در ادوار مختلف و تجلی باورهای آنان در طول تاریخ بوده است. می‌توان گفت آنها ضرورتی برای رفع نیازهای معنوی انسان و رهایی از حصار تنهایی به شمار می‌رفت که با ایجاد ارتباط جمعی، روح تعاون را برای برقراری امنیت و ثبات در جامعه تقویت می‌کرد. نگرش و عملکرد شاهان ساسانی پیرامون آئین‌ها، نشئت یافته از عقاید موروثی و تلقینات اجتماعی بود و برای حفظ دین و حاکمیت بر آن تأکید می‌کردند. شاهان ساسانی در شادی و غم، شکست و کامیابی، همانند مردم در مراسم مشارکت داشتند. با توجه به فرهنگ غنی مردم ایران باستان، برخی از عادات و رسوم در زندگی فردی و اجتماعی ما استمرار یافته است.

واژگان کلیدی: آئین‌های دینی، قربانی، آتش، مردم، شاهان.

آئین‌های دینی و پرستش از قدیمی‌ترین تجلیات روح انسان به شمار می‌روند که در جهان پذیرفته شده‌اند. خضوع و خشوع در برابر آنچه که برتر دانسته می‌شد همراه با مقدس شمردن آن، تمایل فطری و درونی غالب افراد بشر بود که همواره در مناسک دینی تجلی می‌یافت. به عبارتی، پرستش و نیایش پاسخی به نیازهای طبیعی بشر است که انسان‌ها از نیاکان خویش به ارث می‌برند. هیچ دینی به شکل اندیشه آرمانی تکامل یافته به طور ناگهانی ظهور نکرده است، بلکه به مرور زمان و با توجه به مسائل اعتقادی و وضع معاش طبقات جامعه، شکل گرفته و اصلاح شده است. انسان‌ها به سبب میل و نیاز به دانستن منشاء وجود و چرایی هستی همواره در این اندیشه به سر می‌بردند که از کجا آمده‌اند و به کجا خواهند رفت.^۱ می‌توان آئین‌ها را پاسخی به این پرسش همیشگی به‌شمار آورد.

بنگر که کنی و از کجا آمده‌ای می‌دان که چه می‌کنی کجا خواهی رفت
(خواجه عبدالله انصاری)

اگرچه ساسانیان سلسله‌ای از شاهان جنگجو بودند، بنیان ایشان مذهبی بود. اردشیر از یک شجره موبدان بود که به طور موروثی نگهبان معبد بزرگ اصطخر در جنوب ایران بودند. از این رو شاهان ساسانی غالباً پایبندی به شعائر دینی بروز می‌دادند، زیرا به تحکیم دین رسمی تمایل داشتند. ضمن این که از این طریق با کاهش خلاءهای اعتقادی خود به منبع قدرتی فراطبیعی متصل می‌شدند که در ناآرامی‌ها به آرامش و در کامیابی‌ها به طراوت و ثبات دست می‌یافتند. تاریخ سرزمین ایران نمایشگر مردمی است که با اتکاء بر اعتقادات، به سپاس و قدردانی نعمات می‌پرداختند و باورها و اندیشه‌های جامعه در جهت حفظ امنیت و هم‌زیستی قومی بود. در این پژوهش، مفاهیم نهفته در برخی آئین‌ها و سیاست دینی شاهان ساسانی در مداومت آئین‌ها برای انسجام دینی اجتماعی بررسی می‌شود. سیاستی که اردشیر آغازگر آن بود و شاهان بعدی

پژوهشی در آئین‌های دینی شاهان ساسانی ۲۳

کمابیش به وی تاسی جستند.

همه گوش دارید برنا و پیر	به گفتار این نامدار اردشیر
نه بی دین بود شاه را آفرین	نه از پادشا بی نیاز ست دین
تو این هردو را جز برادر مخوان	چو دین را بود پادشا پاسبان

(فردوسی)

با توجه به اهمیت ستایش و نیایش عناصر طبیعت در ایران باستان لازم است به جایگاه و نقش آنها در دین و آئین‌های مردم پرداخته شود.

آب، گیاه و چارپا

آب‌ها و گیاهان از آفرینش‌های نیک، مظهر پاکی و رویش و بالش در طبیعت بودند و در متون دینی کهن، اولین نیازهای انسان به ترتیب آب، گیاه، شیر و گوشت آمده است. (بنداهش) و گرایش انسان به طبیعت برای برآوردن نیازهایش بود، زیرا نیاز محور همه کنش‌های انسان است. از این رو، در روزگار باستان ستایش فرشته آب (آناهیتا) در سرزمین ایران رواج داشت و سروده بلند (آبان یشت) در ستایش و استعانت «اردوی سورناهد» گواه بر این مدعاست. اردشیر دوم، شاه هخامنشی، ستایش آناهیتا را در نقاط مختلف ایران و ممالک تحت تصرف منتشر ساخت و مجسمه او را در معابد بر پا ساخت. شاپورد دوم، شاه ساسانی هم معبدی برای آناهیتا تأسیس کرد و تا زمان شاپور سوم، تمامی شاهان ساسانی - جز بهرام اول و اردشیر دوم - اشاراتی به آناهیتا دارند. توجه بهرام دوم و ملکه‌اش به آناهیتا از مسکوکات بر جای مانده مشهود است. به تدریج نقش آناهیتا به سبب اهمیتش در سکه‌های ساسانی در برابر شاه قرار گرفت. اما تشویق و توصیه به حمایت از دام و ستور در جهت رفاه افراد جامعه هم بود، زیرا داشتن گله فراوان از نشانه‌های قدرت و نقصان آن موجب ضعف و ناتوانی در پیشبرد کارها و امورتلقی می شد.^۱ بنا به باوردینی، آزار ستوران و دام‌ها عقوبت سختی در پی داشت؛ درحالی که ایزدان به

سبب تأثیرشان در فزاینده‌گی گله و رمه و ستورو و علفه سزاوار ستایش بودند.

اگر ایده‌های مذهبی اولیه را متأثر از شرایط اجتماعی و مشی اقتصادی بدانیم، طبیعت‌پرستی را باید از مصادیق بارز زندگی شبانی به شمار آورد که علاوه بر نقش تعیین‌کننده دام و ستور، گیاهان به عنوان تجسد ویژه نیروی حیات مورد توجه قرار داشتند و تأثیر همه این‌ها در هنر ساسانی مشحون است. هنر ساسانی را می‌توان نقطه اوج هزار سال پیشرفت هنری به شمار آورد. نقش‌های رایج عهد ساسانی مانند مرغ اساطیری سیمرغ که در اشیای گوناگون در شرق و غرب دیده می‌شود، نموداری از تأثیر فرهنگ ساسانی در عرصه هنری است.

یکی دیگر از جلوه‌های هنر ایرانی در عهد ساسانی در بافت فرش بهارستان متعلق به خسرو انوشیروان نمود می‌یابد. فرش زیبایی شامل صحنه‌ها و مناظر دلپذیر بهاری، گل‌ها و میوه‌های بافته شده با یاقوت و الماس در کنار خیابان‌های نقره و نهرهایی از مروارید بر زمینه‌ای از طلا تجسم یافته بود. این فرش باعث می‌شد در بهار و تابستان، خسرو زمستان را به فراموشی بسپارد. تصویر حیوانات، به عنوان یکی از خطوط اصلی هنر ساسانی، در نقوش زیبای مجالس شکار و جنگ و سواری شاهان، در تخته سنگ‌ها یا گچبری‌های بسیار زیبا یا ظروف سیمین برجای مانده متجلی می‌گردد و گواه توانگری فرهنگ ایرانی در آن اعصار است. افزون بر این، شاهان تصویر برخی حیوانات را به عنوان مظهر ایزدی ارائه می‌کردند و گاه علائم و نمادهای گوناگونی از قبیل ماه، ستاره، عقاب و نخل بر روی تاج‌های شاهان ساسانی دیده می‌شود و نقش حیوانات بر روی تاج ملکه و سکه‌های بهرام دوم و همچنین تصویر بال‌های وارغنه (شاهین) بر روی تاج بهرام از آن جمله به شمار می‌رود. پس از بهرام دوم، پیروز، خسرو دوم، اردشیر سوم، پوران و تمامی شاهان بعدی از تصویر بال‌های وارغنه بر روی مسکوکاتشان بهره بردند؛ پرنده‌ای که یکی از تجلی‌های ایزد بهرام بود و گزینش آگاهانه شاهان ساسانی از نمادهای دینی نشانه سیاست دینی ایشان است.

آتش

از دوران هندوایرانیان آتش همواره در داوری و تمیز حق و باطل نقش بسزائی داشته است و تصور برآوردن حاجات و نیازها با اهدای نذورات به آتش، این عنصر را با تقدسی بیشتر در خور ستایش قرار می‌داد. خشنودی آتش با نثارهای پاک، موجب افزایش برکت و سعادت می‌گردید و

پژوهشی در آئین‌های دینی شاهان ساسانی ۲۵

آلودن و آزرده آن کیفر در پی داشت. امشاسپند اردیبهشت را آزرده می‌کرد. دارا بودن لقب پسر اهورا مزدا جایگاه ویژه‌ای به آتش می‌بخشید و از این رو، گناه گرشاسب در آزار آتش عواقب سختی در بر داشت. با وجود این، آتش انسان را نمی‌کشت.^۱ زیرا انسان برای زیستن آفریده شده بود و نه برای مرگ. آتش نه پیام‌آور مرگ و نیستی، بلکه تجلی نور، روشنی و راستی بود. افزون بر این، حضور مثبت و مؤثر آتش در کانون زندگی انسان نمایان بود، چنان که مکان آرمانی و شادترین نقطه جایی بود که مرد پرهیزکار همراه با خانواده‌اش در خانه‌ای با آتش گرم، ضمن اشتغال به کشاورزی و دامپروری در پیشبرد دین و آئین می‌کوشید.^۲ این تصویر زیبا و دلنشین که در دین برای جامعه ترسیم شده بود به‌گونه‌ای احساس امنیت را با غلبه بر سرما و تاریکی القا می‌نمود.

در باب توجه شاهان ساسانی به آتش و آتشکده، لازم به ذکر است که نقش معجز آتش در پشت سکه اردشیر و بر روی مسکوکات غالب شاهان ساسانی دیده می‌شود. همچنین شایسته‌ترین عمل برای شاه ساسانی، برپا کردن آتش یعنی ساختن آتشکده بود. از این رو، در دوره ساسانی آتشکده‌های فراوان و با شکوه ساخته شد. شاپور نیز برای برپایی آئین‌ها به ساختن آتشکده‌ها و انتصاب مغ‌ها به‌عنوان موبد فرمان داد. در واقع، آتشکده کانون اصلی زندگی دینی و مکانی برای عبادت و پناهجویی به‌شمار می‌رفت، زیرا این باور در میان مردم وجود داشت که هرکس سه بار در روز به آتشکده برود و دعای آتش نیایش را بخواند به ثروت و دارایی خواهد رسید. تلقی شاهان کمابیش همانند سایر مردم و دارای مفهوم اعتقادی مشابهی بود به‌گونه‌ای که در هنگام مصائب به زیارت آتشکده آذرگشنسب (۱) می‌رفتند و زر و مال و ملک و غلام نذر می‌کردند. به گفته کریستن سن این آتشکده نماد ساسانیان و نشانه اتحاد دین و دولت بود و در همین رابطه نقل است که هر شاهی هنگام به تخت نشستن پیاده از مدائن یا تیسفون به زیارت آتشکده آذرگشنسب می‌رفت. بدیهی است که آتشکده‌ها به روی پادشاه، نجبا و عوام، به منظور خواندن دعا یا اهدای پیشکش، به طور یکسان باز بود و نقل است که اردشیر پیش از رفتن به نبرد با

۱ - ونیدداد؛ فقره ۵؛ فقره ۹

۲ - ونیدداد، فرگرد؛ فقره ۱-۳۳ و ۴

۲۶ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

اردوان و پیروز هم طی قحط‌سالی (۲) برای دعا به آتشکده رفتند. نه تنها در ایام سختی بلکه در هنگام آسایش نیز گرما و روشنی آتشکده نمود می‌یافت. به روایت کارنامه اردشیر بابکان، وی پس از دیدن فرزندش شاپور (۳) از شوق به تأسیس شهر «رأس الشاپور» فرمان داد و پس از سپاس به درگاه اورمزد و امشاسپندان فرمود آتش بهرام بنشانند و هدایای بسیاری به آن ارسال کرد.

سر خُرد کودک بیاراستند	بس از گنج در و گهر خواستند
بسی زر و گوهر به درویش داد	خردمند را خواسته بیش داد
به دیبا بیاراست آتشکده	هم ایوان نوروز و کاخ سده

(فردوسی)

قدردانی هم بهانه‌ای برای حضور در آتشکده بود، چنانکه گاه مردم پس از بخشودگی مالیات برای ابراز سپاسگزاری در آتشکده جمع می‌شدند.^۱ بهرام پنجم هم در ابتدای پادشاهی به جبران بدرفتاری پدرش یزدگرد، با مردم به نیکی رفتار کرد و پس از بخشش‌های بسیار میان مردم همگی راهی آتشکده شدند.

برفتند یکسر به آتشکده	به ایوان نوروز و جشن سده
همی مشک بر آتش افشانند	به بهرام بر آفرین خواندند

(فردوسی)

بهرام پیش از رفتن به شکار و گردش برای دعا به آتشکده آذرگشنسب می‌رفت. هنگام بازگشت از پیکار ترکان از راه آذربایجان، بهرام همه یاقوت و جواهر تاج خاقان و شمشیر گوهرنشان وی را با زیور بسیار به آتشکده شیز داد و خاتون زن خاقان را به خدمت در آنجا گماشت. ولی از سرنوشت زن خاقان و هدایای انسانی مشابه اطلاعی در دست نیست. در پاره‌ای موارد، آتشکده برای شاهان ساسانی به مثابه موزه یادگارهای قساوت‌هایشان به شمار

۱ - دوشن گیمن، دین ایران باستان، ترجمه رویا منجم، تهران: انتشارات فکر روز، ۱۳۷۵، ۱۲۱.

پژوهشی در آئین‌های دینی شاهان ساسانی ۲۷

می‌رفت و در همین رابطه، اردشیر پس از نبرد و بازگشت به مرو جمعی را کشت و سرهایشان را به آتشکده آناهید فرستاد. ولی آتش ایزدی سرشار از فرو درمان بود که با نذری نیک و خالصانه رفاه و نیکبختی می‌بخشید.^۱ چنانکه خسرو پرویز در کشاکش ماجرای بهرام چوبین نذرکرد در صورت غلبه بر وی هدایایی از زر و سیم به آتشکده آذرگشنسب اهدا کند که به وعده خویش وفا کرد. پس از آن، به ساختن آتشکده‌های بسیار فرمان داد و دوازده هزار هیربند برای اجرای مراسم مذهبی (زمزمه یا آهسته خواندن اوراد دینی) به خدمت در آنها گماشت و پس از جلوس مجدد به تخت به آتشکده آذرگشنسب رفت.

ز لشگرگه آمد به آذرگشنسب	به گنبد نگه کرد و بگذاشت اسب
پیاده همی رفت و دیده پر آب	به زردی دو رخساره چون آفتاب
چو از در به نزدیک آتش رسید	شد از آب دیده رخسار ناپدید
دو هفته همی خواند استا و زند	همی گشت بر گرد آذر نژند
به هشتم پیامد ز آتشکده	چو نزدیک شد روزگار سده
به آتش بداد آنچه پذیرفته بود	سخن هرچ پیش ردان گفته
ز زرین و سیمین گوهر نگار	ز دینار و زر گوهر شاهوار

(فردوسی)

توجه به این نکته ضروری است که برخی شاهان ساسانی رابطه مطلوبی با مقامات آتشکده نداشتند، حتی یزدگرد اول و قباد در نزد آنان منفور و متهم بودند. نرسی هم هیچگاه برای نیایش و پرستش به آتشکده نمی‌رفت. به هر روی، در زمان ساسانیان آتشکده‌ها رونق بسیار یافت و اهدای نذورات و هدایا آنها را انباشته از زر و سیم و گوهر کرد، به گونه‌ای که این مکان مذهبی مبدل به جایگاهی غنی و آراسته شد که روز به روز بر جاذبه آن افزوده می‌شد. ضمن این که از این طریق قدرت متولیان آتشکده‌ها (موبدان) نیز افزایش یافت. اهدای نذورات و هدایای سنگین شاهان به آتشکده‌ها باعث گرایش بیشتر مردم به آتشکده‌ها و انسجام دینی - اجتماعی

می‌شد.

اما از نظر اعتقادی، عشق به آتش و فرهنگ گرما و روشنایی مبین پیکار ابدی میان خیر و شر بود که سرما و تاریکی را به عقب می‌راند و با کاهش تنش‌ها، جامعه را به آرامش می‌رساند. آتشکده مأمونی بود برای مردم که با پناه بردن به آن و غلبه بر اضطراب و غربت درونی، به آرامش و طمأنینه دست یابند.

قربانی

قربانی پدیده‌ای بود که در نخستین اشکال شناخته شده پرستش در همه جای دنیا توسط افراد بشر به وجود آمد. به اصطلاح کلی، در علم ادیان، گرفتن زندگی موجود زنده به منظور تقرب به خدایان و جلب نظرایشان است. لفظ قربان در عربی مأخوذ از ریشه عربی «قرب» حاکی از آن است که در همه قربانی‌ها نزدیکی جستن به خدا، خدایان یا قوای طبیعی مورد نظر بوده است. قربانی را می‌توان رسمی به شمار آورد که طی آن انسان ارتباطی مادی و معنوی با خدا برقرار می‌کند. در این رابطه با اهدای یکی از آفریده‌های خداوند به وی از دارایی خویش برای خالق ایثار می‌کند. به باور لیو، در قربانی هدیه‌ای که به خدا عرضه می‌شود، معاوضه نیست؛ بلکه مشابه آن چیزی است که بین انسان‌ها متداول است. از این رو نمی‌توان آن را، همانند گرنش به شهریاران، جهت نیل به گشایش در امور تلقی کرد. با وجود این، در قربانی چیزی از دست می‌رود یا نابود می‌شود تا پیوندی را میان یک منبع قوی روحانی و فرد بنا گذارد و هدف از این پیوند بهره‌مندی آتی از نیروی آن منبع است. به عبارتی اهدای پیشکش به موجودات ماوراء طبیعی به منظور جلب توجه و علاقه یا کاهش خصومت ایشان است.

قربانی در ودا

قربانی شاخص‌ترین نکته در مذهب ودایی و تنها عامل اقناع خدایان ودایی به شمار می‌رفت. در سرودهای ریگ ودا عمل قربانی به جهت جلب توجه خدایان حائز اهمیت است و «اگنی» واسطه انتقال قربانی به خدایان است. اگنی در مقام سرپرست والای قربانی و مجری مراسم قابل ستایش است؛ زیرا او از بین برنده مشکلات، بخشنده نیرو و ثروت، یاری رساننده در جنگ‌ها و روزی دهنده است. خدایان ودایی هم با قربانی وادار به طلوع خورشید، بارش باران و رویش گیاهان و افزایش چارپایان می‌شوند.

نذر و قربانی در ایران باستان

دست بر داشتن به دعا و نیاز خواستن و نذرکردن و امید رسیدن به آرزو همواره در سرشت انسان بوده است. برخی دانشمندان معتقدند آئین کشتن از میان زارعین و گله‌داران پیدا شده است و قربانی جاری ساختن خون برای حاصلخیزی زمین کشاورزی رایج بوده است. ازاین رو، در میان زارعین گوسفند، بز و گاو و در میان چادرنشینان گوزن، اسب و شتر قربانی می‌شدند. در ایران باستان، آن گونه که در متون آمده است، پیشکش، زوهر و قربانی به درگاه ایزدان به منظور نیل به حاجاتی از قبیل افزایش گله و رمه، رفاه و آسایش، غلبه بر دشمنان، برقراری صلح و امنیت انجام می‌شد. اهورامزدا ضمن ترغیب مردم به این فعل، ستایش و نثار پیشکش به درگاه ایزدان را عاملی جهت مصونیت کشور در قبال بلایای طبیعی و تهاجمات بیگانگان به شمار می‌آورد.^۱

ایرانیان همواره در تلاش برای بنیان گذاشتن زندگی مشترک همه اقوام ایرانی و پایداری در برابر تهاجمات و محرز ساختن هویت افتخارآمیز ایرانی بودند. به گفته هرودوت، در میان ایرانیان مرسوم بود که در دعاهایشان نه تنها برای خویشان، بلکه برای شاه و تمام اقوام ایرانی خوشبختی آرزو کنند، لذا هنگام نیایش همواره نیکبختی و سعادت همه آریائی‌ها مورد نظر بود. البته ایزدان هم از برآوردن تقاضاهایی که علیه ممالک آریایی بود خودداری می‌کردند.^۲ اما شخصیت‌های مختلف اهداف گوناگونی از قربانی در اندیشه داشتند. جمشید در ازای پیشکش‌های خود، رفاه و جاودانگی مخلوقات را آرزومند بود و فریدون خواستار اسارت افراسیاب و غلبه بر ضحاک بود. هوشنگ خواهان چیرگی بر دیوهای مازندران و گشتاسب و دیگران طالب پیروزی و کامیابی در جنگ بودند.^۳ به روایت گزنفون، کوروش پیش از حمله از ماد به آشور با دعا برای پیروزی و پس از نبرد هم به شکرانه پیروزی قربانی کرد.^۴

۱ - یشت ۱۴ فقره ۴۸-۵۰، یشت ۸ فقره ۵۶-۵۸.

۲ - یشت ۵ فقره ۵۷، ۵۸، ۵۹.

۳ - یشت ۵ فقره ۲۱، ۲۵، ۲۹، ۳۳، ۳۷، ۴۱، ۱۰۹.

۴. مری بویس، هخامنشیان، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران: توس، ۱۳۷۵، ۳۱۷.

۳۰ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

از موارد قربانی‌های بی‌شمار می‌توان به ماجرای خشایارشا اشاره کرد که پس از رسیدن سپاهش به «ایلیوم» به تماشای ویرانه‌های «تروا» پرداخت و هزار گاو نر در «معبد آتیه» واقع در ایلیوم قربانی کرد. شایان ذکر است که ثواب قربانی در متون کهن بسیار آمده است و در واقع پر ارزش‌ترین نوع نذر محسوب می‌شده است. گاو نماد مکرر معمول در متون بود که طی نسل-های بی‌شمار عمده‌ترین منبع حیات بود و در گذشته - که گله‌داری و گاوداری وسیله امرار معاش مردم بود- گاو هم جزو حیوانات قربانی شونده بود؛ ولی پس از آنکه در رام کردن و اهلی کردن اسب موفق شدند قربانی کردن اسب هم متداول شد.^۱ به طوری که نقل است کمبوجیه پسر کوروش فرمان داد تا هر ماه یک اسب برای پدرش قربانی کنند. انجام این قربانی به صورت ماهیانه هدیه بسیار گرانبهایی به شمار می‌رفت و این کار تا زمان هجوم اسکندر ادامه یافت. تا حدود بیش از دو قرن یک خانواده معین از موبدان متصدی قربانی کردن ماهیانه اسب در آرامگاه کوروش بودند. از بُعد دینی، اسب یکی از تجلی‌های برخی ایزدان بود.^۲ اسب در زندگی مادی در کنار مرد -به عنوان نیروی انسانی- نقش حیاتی داشت. به گواه متون، در قربانی‌های سخاوتمندانه شاهان و پهلوانان همچون هوشنگ، جمشید، فریدون، ضحاک، نریمان، کیکائوس، جاماسب، زریر و کی گشتاسب هر یک صد اسب، هزار گاو و ده هزار گوسفند قربانی کردند.^۳ ترتیب اهمیت این چارپایان در تعداد آنها مشخص شده است. وجود گوسفند و آرد و ... در صورت‌های ثبت و حساب و نذر و نذورات روزگار ساسانیان حاکی از تداوم آئین‌هاست و شاهان ساسانی برای نیل به نیازهای عمومی یا حاجات فردی در برگزاری آئین‌ها حضوری بارز داشتند و ضمن همراهی با مردم به نیرومندی دین کمک می‌کردند. خسرو انوشیروان پس از غلبه بر رومیان و تصرف و ویرانی شهر انطاکیه (۵۴۰م) به سلوکیه رفت و با آرامش در آب دریا آب تنی کرد و سپس به شکرانه پیروزی‌اش به اهدای قربانی‌های متعدد پرداخت. همچنین یزدگرد دوم با قربانی چندین گاو سفید و بز نر در کنار معجر آتش، پیروزی خویش را بر اقوام مجاور جشن گرفت. پس از کامیابی در نبردها و نیل به اهدافش،

۱ - یشت ۵ فقره ۲۱.

۲ - یشت ۸ فقره ۱۸ و یشت ۱۴، فقره ۹.

۳ - یشت ۵ و ۹.

پژوهشی در آئین‌های دینی شاهان ساسانی ۳۱

شاپورا اول اقدام به تحریر کتیبه‌ای در تخت جمشید نزدیک آرامگاه شاهان هخامنشی کرد. در منطقه «نقش رستم» در شش کیلومتری شمال تخت جمشید در استان فارس بنایی وجود دارد که به «کعبه زرتشت» مشهور است. در دوران ساسانیان، دو کتیبه بر اطراف بدنه آن انجام شد که متعلق به شاپور اول و کرتیر است. کتیبه دارای دو بخش با مضمون تاریخی و غیرتاریخی است. در بخش اول، شاپور ضمن معرفی خود، آئین و تبارش، با اقتدار غلبه و حاکمیتش را بر سرزمین‌های فتح شده اعلام می‌کند. پس از آن، رویارویی‌های افتخارآمیز خود را با قیصران روم (گوردیانوس سوم، فیلیپ و والریانوس) به تفصیل شرح می‌دهد. در بخش بعدی، شاپور به اعمال پس از پیروزی می‌پردازد. او فتوحاتش را نتیجه حمایت ایزدان، نیایش، نیکی به موبدان و تأسیس آتش‌های بهرام در سرزمین‌ها می‌داند و پس از آن از برپائی آتش‌های گوناگون به منظور جاودانه ساختن نام خویش، دختر و پسرانش خبر می‌دهد. شاپور به سبب خشنودی از شرایط حاصله اقدام به تقدیم هدایا و پیشکش‌هایی می‌کند که عبارتند از: بره، نان و شراب از قرار هزار بره و هرروز یک بره، یک قرص ونیم نان و چهار پیمانۀ شراب. شاپور این نذر روزانه را برای آمرزش روان خود و خویشان نزدیکش، اعضای دربار پاپک شاه، اعضای دربار اردشیر شاهنشاه و اعضای دربار شاپور شاهنشاه مقرر می‌دارد. درحقیقت بنا به یک باور، قربانی همانند گنجینه یا حساب پس انداز آخرت تلقی می‌شد که شخص در اثنای حیات دنیوی انجام می‌داد تا پس از مرگ سبب آمرزیدگی وی گردد. این توصیه شاپور به انجام نذر و قربانی پس از وی، ترغیب بازماندگان به نگهداری و مداومت شعائر دینی بود.

به دنیا توان آخرت یافتن
به زر پنجه شیر بتافتن
به دنیا توانی که عقبی خری
بخیر جان من ورنه حسرت بری
(سعدی)

پیامد قربانی

باید دانست که خوردن حیوان قربانی توسط مردم موجب تقویت روابط اجتماعی و مبین هم‌غذایی خدایان و پیروانشان طی مراسمی دینی بود. از دیدگاه ودا، قربانی همکاری روستاییان و خانواده‌ها را فراهم می‌کرد و گردهمایی‌های با نشاط را افزایش می‌داد. در ایران باستان

۳۲ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

اهورامزدا امر به بریان کردن گوسفند و الزام در توزیع آن بین مؤمنان و پرهیزکاران می‌کرد.^۱ ولی گذشتن و ایثار از دامی که در زندگی دامداری نقش تعیین کننده داشت از عهده همه بر نمی‌آمد. لذا قربانی برای عامه مردم به‌ویژه قشر فرودست جامعه مقدور نبود. چنان چه این عمل انجام می‌گرفت، مناسبتی خاص تلقی می‌شد. رفته رفته قربانی همراه با نیایش و ستایش به صورت مراسم گسترده‌ای در آمد و انسجام دینی - اجتماعی جمع‌کثیری را باعث می‌شد که به یک منظور و برای یک هدف در مکانی مقدس یعنی آتشکده حضور می‌یافتند. مری بویس آن را به ضیافتی که برای سلاطین می‌دادند تشبیه می‌کرد که طی آن مردم می‌خواستند با مهمان‌نوازی و پذیرایی همراه با ستایش و مدح مورد عنایت ایزد یا ایزدان قرار گیرند. با این وجود، بازداشتن مردم از گناه گران گوسفندکشی در دین آمده بود. (زادسپرم) ولی انجام قربانی حیوانی از دوره هند و ایرانی به ارث رسیده بود که زرتشت طی اصلاحاتش آن را لغو کرد و در زمان‌های بعد به جای ایزدان به اهورامزدا تقدیم می‌شد.

تحلیل نذورات شاپور در کتیبه «کعبه زرتشت»

پیشکش هزار بره‌ای که از سوی شاپور مقرر گردید بر اساس قربانی کردن روزی یک بره برای آموزش روان خودش و سایر گروه‌های نامبرده در کتیبه حدود سه سال به طول می‌انجامید. در مقایسه با یشت‌ها و فدیة شاهان مذکور شاپور قربانی محدودتری را فرمان داد که ناشی از تفکر وی پیرامون این آئین بود. او علاوه بر حذف اسب و گاو، تعداد کمتری گوسفند - که آن هم بر مبنایی خاص قابل اجرا بود - تعیین کرد. آشکار است که شاپور با آگاهی از شرایط اقتصادی جامعه چنین نذری را معین کرد و به‌گونه‌ای آن را نظم و ساماندهی بخشید. ضمن اینکه گروهی را هم از برکات آن بهره‌مند گردانید. مورد بعدی نان و می بود که انتخاب این دو ماده از سوی شاپور جای بحث دارد، زیرا در میان فدیة‌های معمول شاهان دیده نمی‌شود و می‌توان آن را اشاره‌ای به آئین عشای ربانی مسیحیت که تاحدودی مشابه «درون یشت» ایرانی بود در نظر گرفت.

آئین عشای ربانی

عیسی به حواریون گفت نانی که برای فصح تبرک و تکه نموده و برای خوردن میان آنها تقسیم کرده است گوشت اوست و جام می که تبرک نموده و برای نوشیدن به آنها داده است خون وی است. لازم به ذکر است که تا زمان عیسی می حلال بود و مولوی در این باره گفته است:

دور عیسی بود و ایام مسیح	خلق دلدار و کم آزار و ملیح
باده، می بایستشان در نظم حال	باده بود آن وقت مأذون و حلال

(مولوی، دفتر پنجم)

در زمان بولس حواری، پس از استقلال، مردم در کلیسا عبادتی به نام «ضیافت محبت» را انجام می‌دادند که طی آن مؤمنان در سفره‌ای گسترده ضمن صرف غذا از آخرین طعام عیسی یاد می‌کردند. این طعام گروهی او کاریستی یا شکرگزاری نام داشت و در تعلیمات حواریون با «دیداکه»^۱ از آن یاد شده است. در عشای ربانی، مقدس‌ترین آئین کلیسا، نان فطیر و شراب حقیقتاً به خون و گوشت مسیح مبدل می‌شود، ضمن اینکه طبیعت الهی و انسانی او در این آئین حاضرند، از این رو، با این عناصر تقدیس شده در محراب به‌عنوان خود مسیح رفتار می‌شود. نان تقدیس شده که به میان مردم حمل می‌شود توسط مؤمنان که در مقابل آن زانو زده‌اند، تکریم می‌شود. زیرا این باور وجود دارد که عیسی در آنچه که به طور آئینی تقدیم و سپس مصرف می‌شود، حضور دارد.

آئین درون

«درئون» یا «درئوننگه»^۲ در گاتها یکبار^۳ آمده اما در بخش‌های دیگر اوستا بسیار به آن اشاره شده است و به معنی بخشایش، بهره، دهش، نیکویی و خورش است. آئین درون (۴) یا «درون

1 - Didache

2 - Draonanga

۳۴ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

یشت» مراسمی عبادی و شکرگزاری به درگاه اهورامزدا و ایزدان بود و «درون» قرص نان فطیری بود که در مراسم استفاده می‌شد.

به هر روی، همان‌طور که آئین درون خشنودی اهورامزدا و امشاسپندان را در پی داشت، چنین می‌نماید که آئین عشای ربانی هم در کاهش خشم خداوند عامل مؤثری تلقی می‌گردید.

کتیبه شاپور، آئین‌های درون و عشای ربانی

شاپور اول به آزادی‌خواهی و به‌ویژه آزاد اندیشی در دین شهرت داشت. از این رو، در زمان وی تمام ادیان از آزادی برخوردار بودند. انگیزه شاپور از نقر کتیبه با چنین محتوایی، تلفیق دو دیدگاه در مفهوم آئین ایرانی و رسم مسیحی به منظور جذب اقوام مسیحی به سوی خود بود؛ زیرا او نیک می‌دانست که این اثر ماندگار مورد بازدید همگان از جمله رومیان قرار می‌گیرد. او با انتقال اسیران ناخواسته به گسترش مسیحیت در ایران کمک کرده بود و خود نیز مدت زمانی تحت تأثیر آموزه‌های مانی قرار داشت. افزون بر این، در رویارویی‌هایش با رومیان نیز مواردی از توجه او به مقدسات مسیحیان گزارش شده است. در نبرد با رومیان و پس از سوزاندن انطاکیه، قصد داشت به سوی دافنه پیشروی کرده و به ویرانگری ادامه دهد، اما پس از رؤیت آپولو (خدای روشنایی) نظرش تغییر کرد، مشعلش را دور انداخت و به آپولو تعظیم کرد. به روایت مورخین غربی، شاپور با فروکش کردن خشم اعتبار ویژه‌ای کسب کرد؛ اعتباری که لیاقت و کفایتش در مدیریت و سیاست به آن افزود، به طوری که به گفته مسعودی، شاه روم طی نامه‌ای از او درباره شیوه کشورداری سئوالاتی پرسید و شاپور نیز در پاسخ با توصیه‌هایش او را هدایت کرد. باید دانست شاپور، شخص جاه‌طلب و بلندپروازی بود که اندیشه توسعه قلمرو ایرانی و شاهنشاهی ساسانی را در سر داشت و با مشاهده جهان‌شمولی کیش مانی و روشی که او در اشاعه آئین خود به کار برده بود، بی‌گمان در صدد گسترش دین و فرهنگ ایرانی برآمده بود. نکته قابل توجه این است که فرهنگ‌های باستانی متأثر از دیگر فرهنگ‌ها و دور از انزوا شکل می‌گرفتند. دیگر اینکه مشترکات دینی می‌توانند منجر به نزدیکی فرهنگی شوند، زیرا بنا به باوری سرچشمه‌های تحولات همه ادیان با یکدیگر پیوند داشته‌اند و ریشه‌هایشان هم به یکدیگر گره خورده است. از منظر تاریخی می‌توان تاریخی جامع ادیان تدوین نمود.

پژوهشی در آئین‌های دینی شاهان ساسانی ۳۵

سندیان را اصطلاح سند مدح

عاشقان را ملت و مذهب خداست

هندوان را اصطلاح هند مدح

ملت عشق از همه دینها جداست

(مولوی، دفتر دوم)

نتیجه

آئین‌های دینی عاملی برای حفظ سلامت جامعه و اصلاح نفس انسان‌ها به شمار می‌روند. شاید اگر مداومت مناسک دینی در طول تاریخ نبود، قساوت‌های بیشتری را شاهد بودیم، زیرا شعائر دینی تا اندازه‌ای جامعه را از آفات اخلاقی مصون نگه می‌دارند و نفوس سرکش را با خضوع و خشوع رام می‌کنند. اگرچه شکل و محتوای آئین‌ها در هر زمان متفاوت بوده است؛ ولی هدف و انگیزه آن‌ها برقراری ارتباط معنوی و دستیابی به آرامش و ثبات تحت فرایند جمعی است. حس ملیت‌گرایی شاهان ساسانی موجب تجدید و استمرار آئین‌های دیرینه شد و به‌رغم جاذبه‌های دنیوی و تعلقاتشان، شاهان به تمایلات اکثریت مردم توجه می‌کردند و برای همراهی با معتقدات مردم و پاس داشت دین موروثی، حتی پس از مرگ، طالب تداوم مناسک دینی بودند، زیرا انسجام دینی - اجتماعی به پایداری دین و حاکمیت کمک می‌کرد.

آشکار است که ایرانیان وارث یکی از درخشان‌ترین تمدن‌های دنیای کهن اند و با وجود فراوانی اساطیر قومی در ایران باستان، تأثیر برخی عادات و رسوم در فراز و نشیب تاریخ طولانی، مانع از قطع ارتباط ما با فرهنگ گذشته سرزمین مان شد و از این رو، نمادهایی از دوران کهن بن‌مایه هنر و آثار فکری در دوران مختلف گردید. در این زمان، آتش عنصر آئینی مانی است؛ ولی نذر و قربانی در جامعه جریان دارد و جزو فرهنگ کنونی ما محسوب می‌شود و البته درک و فهم و تداوم این آئین‌ها و دیگر تلقینات اجتماعی به واسطه مباهات به میراث پیشین این مرز و بوم است. پرواضح است که ذبح قربانی جهت تقرب پروردگار از زمان حضرت آدم شروع شد و طبق سنت ابراهیم و آئین پیامبر، قربانی ایشار از مال و اطعام مساکین و سائلین برای رضا و خشنودی خداوند است.

تا من اندر عیدگه الله اکبر گویمی

(عطارد)

کو فریدونی که گاوان را کند قربان عید

پی‌نوشت‌ها

۱- براساس کاوش‌های باستان‌شناسی «آتش مادی» یا «آذرگشنسب»، نماد آتش جنگاوران بود و در اواخر سده چهارم یا اوایل سده پنجم به نقطه‌ای بسیار زیبا در آذربایجان انتقال یافت. این محل در دوران اسلامی به نام «تخت سلیمان» مشهور شد.^۱ آذرگشنسب توسط خسرو انوشیروان به «شیز» منتقل شد و به روایت مسعودی انوشیروان بت‌های آتشکده شیز را نابود کرد.^۲ گنزک یا شیز شهری بود در آذربایجان، میان مراغه و زنجان و در آنجا آتشکده‌ای بود که نزد مجوس عظیم‌الشان بود و آنجا آتشکده‌های مجوس را از شرق تا غرب می‌افروختند. از عجایب آن بیت‌الناری بود که هفتصد سال در آن آتش افروختند و هرگز يك مشت خاکستر در آن پیدا نبود و هرگز حتی در مدت نیم ساعت آتش افسرده نگردید.^۳

۲- در زمان پیروز وضع داخلی کشور وخیم بود. قحطی هفت ساله شهرها و نواحی را تخریب کرد. به گفته ثعالبی چنان قحطی بود که سخت‌تر از قحطی یوسف بطول انجامید.^۴

۳- شاپوراول از مادری اشکانی تبار و به‌گونه‌ای مخفیانه به دنیا آمد و در خردسالی به اردشیر عرضه شد و بسیار مورد توجه وی قرار گرفت.^۵

۱ - مری بویس، زردشتیان باورها و آداب دینی آنها، ترجمه عسکری بهرامی، تهران: ققنوس، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵.

۲ - دوشن گیمن، همان، ص ۳۴۸.

۳ - محمد مراد عبدالرحمان، ترجمه آثارالبلاد واخبارالبلاد/جلد دوم، تصحیح سید محمد مراد شاهمرادی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۶.

۴ - ابومنصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل ثعالبی، شاهنامه ثعالبی در شرح احوال سلاطین ایران، ترجمه محمود هدایت، تهران: اساطیر، ۱۳۸۵، ص ۲۷۵؛ تئودور نولدکه، تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان، ترجمه عباس زریاب خوئی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۸.

۵ - محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۵۸۷؛ ابن اثیر، اخبار ایران، ترجمه محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۵، ص ۵۸؛ حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده، باهتمام عبدالحسین نوائی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱، ص ۱۰۳.

پژوهشی در آئین‌های دینی شاهان ساسانی ۳۷

۴- کی گشتاسب یاور آئین مزدیسنا^۱ که بازو و پناه دین زرتشت بود^۲ به فرمان زرتشت پیش از سفر روحانی‌اش برای وی درون برپا داشتند و در آن درون، گل، شیر و انار نهادند.^۳ همچنین آغاز و پایان سفر مینوی ویراز همراه با آئین درون و می و ستایش اهورامزدا و امشاسپندان بود.^۴

منابع

- ۱- آموزگار، ژاله، تفضلی، احمد، اسطوره زندگی زردشت، تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۰.
- ۲- ابن اثیر، اخبار ایران، ترجمه محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۵.
- ۳- انصاری، عبدالله بن محمد، گفتار پیر طریقت، گرد آورنده صابر کرمانی، تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۸۷.
- ۴- بویس، مری، تاریخ کیش زردشت، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران: توس، ۱۳۷۶.
- ۵- -----، هخامنشیان، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران: توس، ۱۳۷۵.
- ۶- -----، زردشتیان باورها و آداب دینی آنها، ترجمه عسکر بهرامی، تهران: ققنوس، ۱۳۸۶.
- ۷- بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر، ویراستار: کتایون مزداپور، تهران: آگاه، ۱۳۷۶.
- ۸- -----، بندهش فرنیغ دادگی، تهران: توس، ۱۳۸۵.

۱ - یسنا ۱۴-۴۶.

۲ - یشت ۱۳ فقره ۹۹

۳ - ژاله آموزگار، احمد تفضلی، اسطوره زندگی زردشت، تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۰، ص ۱۷۶.

۴ - فیلیپ ژینیو، ارداویرافنامه، ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار، تهران: انتشارات معین و انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران، ۱۳۸۲، فصل ۲ بند ۱۵-۱۴ و ۱۱-۱۰.

۳۸ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

- ۹- پترسون، مایکل و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران: طرح نو، ۱۳۷۹.
- ۱۰- پروکوپیوس، جنگهای ایران و روم، ترجمه محمد سعیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
- ۱۱- پورداد، ابراهیم، گاتها، تهران: اساطیر، ۱۳۸۴.
- ۱۲- -----، پشتها، جلد اول و دوم، تهران: اساطیر، ۱۳۷۷.
- ۱۳- -----، خرده اوستا، تهران: اساطیر، ۱۳۸۶.
- ۱۴- -----، یادداشتهای گاتها، تهران: اساطیر، ۱۳۸۱.
- ۱۵- تفضلی، احمد، مینوی خرد، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: توس، ۱۳۷۹.
- ۱۶- ثعالبی، ابومنصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل، شاهنامه ثعالبی در شرح احوال سلاطین ایران، ترجمه محمود هدایت، تهران: اساطیر، ۱۳۸۵.
- ۱۷- دورانت، ویل، تاریخ تمدن (جلد چهارم)، ترجمه ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده و ابوالقاسم طاهری، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
- ۱۸- راشد محصل، محمدتقی، گزیده‌های زادسپرم، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶.
- ۱۹- رضی، هاشم، وندیداد، جلد ۱ و ۲، تهران: اساطیر، ۱۳۷۶.
- ۲۰- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ مردم ایران (ایران قبل از اسلام)، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶.
- ۲۱- ژینیو، فیلیپ، ارداویرافنامه، ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار، تهران: انتشارات معین و انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران، ۱۳۸۲.
- ۲۲- سعدی، بوستان، با مقابله و تصحیح مرحوم محمدعلی فروغی، تهران: اقبال، ۱۳۸۶.
- ۲۳- سودآور، ابوعلی، فره ایزدی در آیین پادشاهی ایران، تهران: نشر نی، ۱۳۸۴.
- ۲۴- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، جلد دوم، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، ۱۳۷۵.

پژوهشی در آئین‌های دینی شاهان ساسانی ۳۹

۲۵- عبدالرحمان، محمدمراد، ترجمه آثارالبلاد واخبارالبلاد/جلد دوم، تصحیح سید محمدمراد شاهمرادی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

۲۶- عطار، دیوان عطار، مصحح تقی تفضلی، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۱.

۲۷- فرای، ریچارد نلسون، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.

۲۸- -----، تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.

۲۹- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه (براساس چاپ مسکو)، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۶.

۳۱- فره‌وشی، بهرام، کارنامه اردشیر بابکان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.

۳۲- کریستنسن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، ویراستار حسن رضائی باغ‌بیدی، تهران: صدای معاصر، ۱۳۸۲.

۳۳- گیمن، دوشن، دین ایران باستان، ترجمه رویا منجم، تهران: انتشارات فکر روز، ۱۳۷۵.

۳۴- لوکونین، ولادیمیر گریگوریویچ، تمدن ایران ساسانی، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.

۳۵- مسعودی، ابوالحسن، مروج الذهب و معادن الجواهر، جلد اول، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.

۳۶- مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، باهتمام عبدالحسین نوائی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱.

۳۷- مصاحب، غلامحسین، دائرة المعارف فارسی، جلد اول، بخش اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱.

۳۸- مولوی، جلال‌الدین محمد، داستانهای مشنوی، گزینش و نوشتار و تالیف، احمد دانشگر، تهران: انتشارات حافظ نوین، ۱۳۸۲.

۳۹- مولند، اینار، جهان مسیحیت، ترجمه انصاری و مهاجری، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱.

۴۰- ناس، جان بایر، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، ویراستار پرویز اتابکی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.

۴۰ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

- ۴۱-نائینی، محمدرضا، گزیده سرودهای ریگ ودا، تهران: نشر نقره، ۱۳۷۲.
- ۴۲-نولدکه، تئودور، تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان، ترجمه عباس زریاب خویی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۸.
- ۴۳-ویدنگرن، گئو، دینهای ایران، ترجمه منوچهر فرهنگ، تهران: انتشارات آگاهان ایده، ۱۳۷۷.
- ۴۴-هرودوت، تواریخ، ترجمه با حواشی ع. مازندرانی، تهران: انتشارات افراسیاب، ۱۳۸۰.
- ۴۵-هوک، ساموئل هنری، اساطیرخاورمیانه، ترجمه علی اصغر بهرامی و فرنگیس مزدپور، تهران: روشنگران، ۱۳۸۱.
- ۴۶-هینلز، جان، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تقضلی، تهران: نشر آویشن، ۱۳۷۹.

- 47-Dodgeon, M. & Lieu, S.N.C., **The roman eastern frontier and the persian wars** (AD226-363), Routledge, London: 1991.
- 48-Edwards, E., **Sacrifice** (Iranian), in: Encyclopedia of religion & ethics, James Hastings(ed.), New York: 1980.
- 49-Hellwig, M.K., **Eucharist**, in encyclopedia of religion & ethics, Mircea Eliade, New York: 1987.
- 50-Heninnger, J., **Sacrifice**, in encyclopedia of religion & ethics, Mircea Eliade, New York: 1987.
- 51-James, E.D., **Sacrifice** (introductory and primitive) in encyclopedia of religion & ethics, James Hastings, New York: 1980, vol.6
- 52-Leeuw, G.V.D, **Religion in essence & manifestation in understanding religious sacrifice**, Jeffrey Carter (ed.), New York: 2003.
- 53-Sprengling, Martin, **Third Century Sapor and Kartir**, Chicago, Oriental Institute University of Chicago: 1953.